

Investigating the Forbiddenness of Residing in Shadow for Male *Muhrem* (the people getting ready for Haj) in Imamieh and Hanbalite's Points of View

Ibrahim Qasemi*

Ali Mortazawi Mehr**

(Received on: 2019-07-01; Accepted on: 2019-09-29)

Abstract

Residing in shadow during minor and major Haj is of the issues the forbiddenness of which is not understood in jurisprudence of Islamic denominations, particularly Hanbalites, due to fact that, in comparison with Imamieh, there has not been noteworthy research in this regard. Thus, answering the question regarding the verdict about residing in shadow for men during *Ihram* requires further research. Considering Holy Prophet and Infallible Imams' practice in Imamieh and Ahmad Ibn Hanbal's well-known view as well as prophet and companions' practice in Hanbali denomination are of the reasons that prove forbiddenness of residing in shadow and covering the head for men during the day. This research aims at identifying the terms of reasons and illustrating the duty of men during *Ihram* regarding residing in shadow emphasizing Imamieh and Hanbalite. Obtaining the result requires analyzing the features in Hanbalite and Imami jurisprudence and gathering library data. The outcome will be illustrating and analyzing the views and reasons for forbiddenness of residing in shadow during the day.

Keywords: residing in shadow, urgency, Imamieh, Hanabeleh, Haj, Minor Haj.

* PhD graduate, comparative studies of Islamic denominations, University of Religions and denominations, Qum, Iran, e.qasemi@urd.ac.ir.

** Assistant professor, Department of Theology, Razi University, Kermanshah, Iran (corresponding Author), a.mortazavimehr@razi.ac.ir.

واکاوی حرمت استتلال برای مردان مُحَرَّم از دیدگاه امامیه و حنابله

ابراهیم قاسمی *

علی مرتضوی مهر **

[تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۰۴/۱۰ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۰۷/۰۷]

چکیده

استتلال مردان در حج و عمره از مسائلی است که حرمت آن در حال سیر طریق برای مُحَرَّم از منظر فقه مذاهب اسلامی، به‌ویژه حنابله، از آن‌رو که تحقیق در خورشان در مقایسه با مذهب امامیه صورت نگرفته، روشن نیست. لذا پرسش از حکم استتلال مردان در هنگام احرام و در طی کردن مسیر، مسئله‌ای است که نیازمند کاویدن تا مرحله پاسخی درخور است. در مذهب امامیه با توجه به سیره پیامبر (ص) و ائمه اطهار (ع) و در مذهب حنابله دیدگاه مشهور از احمد بن حنبل به همراه سنت نبوی و صحابه از جمله دلایلی است که حرمت استتلال و پوشاندن سر برای مردان محرم در روز را اثبات می‌کند. این تحقیق با هدف شناخت حدود و ثغور ادله و تبیین وظیفه و تکلیف مردان در احرام از جهت استتلال کردن در مسیر با تأکید بر مذهب امامیه و حنابله انجام شده و نیل به این مقصد در سایه توصیف و تحلیل گزاره‌های فقه مذاهب حنابله و امامیه با گردآوری داده‌های کتابخانه‌ای میسر است که نتیجه آن، تبیین و تحلیل دیدگاه‌ها و ادله بر حرمت استتلال در مسئله استتلال در روز است.

کلیدواژه‌ها: استتلال، اضطرار، امامیه، حنابله، حج، عمره.

مقدمه

یکی از مسائلی که ذهن زیارت‌کنندگان مکه مکرمه را در موسم حج به خود مشغول می‌کند یافتن پاسخ این پرسش است که: آیا استظلال برای مردانِ مُحَرَّم فقط بنا بر مذهب جعفری حرام است یا از مذاهب دیگر مخصوصاً مذهب حنبلی نیز دیدگاه حرمت استظلال در طی طریق وجود دارد؟ جای پاسخ تفصیلی با توجه به مبانی، مدارک و اقوال فقهای مذهب جعفری و حنبلی، به‌ویژه برای روحانیان و زائران، خالی است. اهمیت این مطلب آنگاه واضح‌تر می‌شود که بدانیم گاه بر پیروان مذهب جعفری خرده گرفته می‌شود که چرا از اتوبوس سقف‌باز (سرباز) برای طی کردن مسیر خود در روز استفاده می‌کنند، در حالی که مطابق دیدگاه مشهور از مذهب حنبلی نیز استظلال در روز حرام است و چنین نیست که برخی پنداشته‌اند که فقط مذهب جعفری به این حکم معتقد است. در ادامه، به دیدگاه فقهای مذهب امامیه و حنبلی درباره قول به حرمت استظلال در روز برای مردان اشاره می‌کنیم و سپس ادله ایشان از سنت نبوی، سنت اهل بیت (ع) و سنت صحابه را می‌کاویم و در آخر مطالب را جمع‌بندی خواهیم کرد.

دیدگاه فقیهان امامیه و حنبلی درباره استظلال

فقهای امامیه: مشهور فقهای امامیه فی‌الجمله به حرمت استظلال قائل‌اند. برخی معتقدند استظلال شخص محرم در محمل، هودج، کنیسه و هر آنچه شبیه آن است، جایز نیست مگر در مواقع ضرورت (شریف مرتضی، ۱۴۱۵: ۲۴۵؛ حلی، ۱۴۱۴: ۳۴۰/۷). برخی نیز منع تظلیل را زمانی می‌دانند که سایه‌بان مانند محمل بالای سر باشد اما اگر در سایه محمل راه برود یا اینکه خورشید در اطرافش باشد استظلال بر وی صدق نمی‌کند و فقط در حالت سواره حرام است (شهید ثانی، ۱۴۱۳: ۲۶۴/۲-۲۶۵) و زمانی که چیزی بالای سر قرار گیرد تظلیل محقق می‌شود، مانند محمل. پس اگر در سایه محمل راه برود آن را «تظلیل» نمی‌گویند. بنابراین، تظلیل فقط در حالت سواره حرام است (همو، ۱۴۱۰: ۲۴۵/۲؛ نراقی، ۱۴۱۵: ۳۲/۱۲؛ نجفی، ۱۴۰۴: ۳۹۴/۱۸).

فقه‌های حنبلی: در میان فقه‌های حنابله برخی استظلال در محمل و هودج و عمارت را جایز نمی‌دانند (ابن قدامة، بی‌تا: ۲/۲۸۵؛ الحجاوی، بی‌تا: ۱/۳۶۵؛ بهوتی، ۱۴۱۸: ۳۴۲). برخی دیگر برای استظلال دو حکم قائل شده‌اند که قول به حرام بودن آن را صحیح‌تر می‌دانند (ابن مفلح، ۱۴۲۳: ۲۳۶). تعدادی دیگر مانند عبدالله ابن قدامة به کراهت استظلال در محمل قائل‌اند (ابن قدامة، ۱۴۰۵: ۲۸۶/۳). برخی دیگر از فقها در این مذهب نیز بررسی کرده‌اند که احمد بن حنبل به کراهت استظلال قائل است. این کراهت به معنای حرمت است و فقها از عبارت «کره احمد» حرمت آن را برداشت کرده‌اند (ابن مفلح، بی‌تا: ۵/۵۱۲؛ ابن قدامة، ۱۴۰۵: ۴۰۵).

بررسی مبانی و ادله فقه‌ای امامیه و حنابله درباره حرمت استظلال

سیره عملی پیامبر (ص) در حج

هرچند با بررسی سیره پیامبر (ص) اخباری در استظلال زمان حرکت و طی مسیر ایشان در احرام یا گزارش‌های موثق راجع به ترک کردن یا ترک نکردن استظلال در دست نیست ولی مسلماً حضرت هنگام حج خودش را در معرض آفتاب قرار می‌داده است. روایاتی از اهل تسنن و امامیه وارد شده که شاهد این مدعا است:

روایت اول: «مُحَمَّدُ بْنُ الْفُضَيْلِ قَالَ: كُنَّا فِي دَهْلِيزِ يَحْيَى بْنِ خَالِدٍ بِمَكَّةَ - وَكَانَ هُنَاكَ أَبُو الْحَسَنِ مُوسَى (ع) وَ أَبُو يَوْسُفَ - فَقَامَ إِلَيْهِ أَبُو يَوْسُفَ وَ تَرَبَّعَ بَيْنَ يَدَيْهِ - فَقَالَ يَا أَبَا الْحَسَنِ جُعِلْتُ فِدَاكَ الْمُحَرَّمُ يَظْلُلُ قَالَ لَّا - قَالَ فَيَسْتَظِلُّ بِالْجِدَارِ وَالْمَحْمِلِ - وَ يَدْخُلُ الْبَيْتَ وَالْخَبَاءَ قَالَ نَعَمْ - قَالَ فَضَحَكَ أَبُو يَوْسُفَ شَبَّهَ الْمُسْتَهْزِئَ - فَقَالَ لَهُ أَبُو الْحَسَنِ (ع) يَا أَبَا يَوْسُفَ - إِنَّ الدِّينَ لَيْسَ يَقَاسُ كَقِيَاسِكَ وَ قِيَاسُ أَصْحَابِكَ - إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ أَمَرَ فِي كِتَابِهِ بِالطَّلَاقِ - وَ أَكَّدَ فِيهِ شَاهِدَيْنِ وَ لَمْ يَرْضَ بِهِمَا إِلَّا عَدْلَيْنِ - وَ أَمَرَ فِي كِتَابِهِ بِالتَّزْوِيجِ وَ أَهْمَلَهُ بَلَا شُهُودٍ - فَأَتَيْتُمُ بَشَاهِدَيْنِ فِيمَا أَبْطَلَ اللَّهُ - وَ أَبْطَلْتُمُ شَاهِدَيْنِ فِيمَا أَكَّدَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ - وَ أَجْزَيْتُمُ طَلَّاقَ الْمَجْنُونِ وَالسَّكَرَانَ - حَيْثُ رَسُولُ اللَّهِ (ص) فَأَحْرَمَ وَ لَمْ يَظْلُلْ - وَ دَخَلَ الْبَيْتَ وَالْخَبَاءَ وَ اسْتَظَلَّ بِالْمَحْمِلِ وَالْجِدَارِ - فَقُلْنَا كَمَا فَعَلَ رَسُولُ اللَّهِ (ص) (کلینی، ۱۴۰۷: ۳۵۲/۴).

در این روایت راجع به شخص محرمی پرسیده‌اند که از سایبان استفاده کرده و حضرت پاسخ داده‌اند که نمی‌شود از سایبان استفاده کند. سپس پرسیده‌اند: «اگر زیر سایه دیوار یا محمل برود یا داخل خانه یا خباء شود چطور؟». حضرت پاسخ داده‌اند: «بله. می‌تواند استفاده کند». برخی از فقها این روایت را مستفیضه می‌دانند که به عنوان دلیل بر حرمت استظلال به آن استناد کرده‌اند (بحرانی، ۱۴۰۵: ۴۷۰/۱۵-۴۷۴؛ نجفی، ۱۴۰۴: ۳۹۸/۱۸).

تبیین استدلال: در این روایت با توجه به عبارت «المحرم یظل؟ قال لا...» برداشت می‌شود که در روز، استظلال حرام است. برخی این روایت را به عنوان یکی از ادله حرمت تظلیل بیان می‌کنند (مجلسی، محمدباقر، ۱۴۰۶: ۴۳۳/۴؛ سبزواری، ۱۲۴۷: ۵۹۸/۲؛ نجفی، ۱۴۰۴: ۳۹۸/۱۸؛ موسوی گلپایگانی، ۱۴۰۳: ۲۳۳/۲؛ شاهرودی حسینی، ۱۴۰۲: ۲۴۱/۳؛ فاضل لنکرانی، ۱۴۱۸: ۲۷۸/۳؛ سبحانی، ۱۴۲۴: ۵۰۰/۳). به نظر می‌رسد با توجه به عبارت «فیستظل و...» استظلال در مکان‌هایی مانند خیمه، منزل و همچنین در سایه بودن محمل و دیوار جایز است. بنابراین، به واسطه جمله بالا در زمان طی مسیر و حرکت، حرام‌بودن استظلال کردن استنباط می‌شود.

روایت دوم: «حَدَّثَنَا أَبُو بَكْرِ مُحَمَّدٌ... أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: مَا مِنْ مُحَرَّمٍ يَضْحَى لِلشَّمْسِ حَتَّى تَغْرُبَ إِلَّا غَرَبَتْ بِذُنُوبِهِ حَتَّى يَعُودَ كَمَا وَلَدَتْهُ أُمُّهُ» (جعفر بن عبدالله، ۱۴۱۲: ۲۷۶/۲).

بعضی از فقهای اهل سنت این روایت را موقوف دانسته‌اند (البیهقی، ۱۴۳۴: ۷۰/۵؛ الصدیقی العظیم آبادی، ۱۴۱۵: ۲۰۲/۵؛ نووی، ۱۳۹۲: ۴۶/۹). این مطلب مطرح شده که در فعل و قول عمر نهی وجود ندارد و به همین دلیل حدیث ام‌الحصین را مقدم بر این روایت می‌دانند. اما به نظر می‌رسد با توجه به عمل فقها می‌شود ضعف سندی‌اش را جبران کرد.

تبیین استدلال: ابن جنید بجلی از جابر از رسول خدا (ص) نقل می‌کند که فرمود: «هر مُحَرَّمی که خودش را در معرض خورشید قرار دهد، مانند روزی است که از مادر

متولد شده است». همچنین، برخی (متقی الهندی، ۱۴۰۱: ۱۸/۵؛ بحرانی، ۱۴۰۵: ۵۷۰/۱۵) این روایت را عنوان دلیل تحریم تظلیل می‌دانند.

سیره صحابه در تظلیل و ترک تظلیل

ابن تیمیه با استناد به سیره پیامبر (ص) تحریم استظلال را برای محرم افضل می‌داند. وی با استناد به سیره صحابه حرمت استظلال را افضل می‌داند و ادعای خویش را با این روایت از ابن عمر مستند می‌کند (ابن تیمیه، بی‌تا: ۱۱۲/۲۶): «أَخْبَرَنَا أَبُو طَاهِرٍ الْفَقِيهُ وَ أَبُو سَعِيدُ بْنُ ... قَالَ: أَبْصَرَ ابْنُ عُمَرَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ رَجُلًا عَلَى بَعِيرِهِ وَ هُوَ مُحَرَّمٌ قَدْ اسْتَظَلَ بَيْنَهُ وَ بَيْنَ الشَّمْسِ فَقَالَ لَهُ: أَضْحَ لِمَنْ أَحْرَمْتَ لَهُ» (البیهقی، ۱۴۳۴: ۷۰/۵). ابن ابی شیبہ این روایت را با سند ذکر کرده است (ابن ابی شیبہ العبسی الکوفی، بی‌تا: ۴۱۶/۸). همچنین، گزارش شده که این روایت صحیح موقوف است (الألبانی، ۱۴۰۵: ۲۰۰/۴).

تبیین استدلال: فقهای حنابلہ (ابن تیمیة الحرانی، ۱۴۲۶: ۱۱۲/۲۶؛ مبارکفوری، ۱۴۰۴: ۱۹۴) روایت ابن عمر را دلیل بر منع استظلال در زمان احرام می‌دانند که محرم در طی مسیر باید خود را در برابر خورشید قرار دهد. ابن عمر (دمیاطی، بی‌تا: ۳۵۹/۲) و ابن تیمیه (ابن تیمیة الحرانی، ۱۴۲۶: ۱۱۲/۲۶) دلیل تحریم استظلال را این روایت می‌دانند. در جای دیگر پرداخت فدیہ را لازم می‌دانند (همو، بی‌تا: ۳۰۲/۲). برخی با استناد به این روایت معتقدند استظلال کردن در زمان احرام برای فرد مضطر اشکال ندارد (بهوتی، ۱۴۱۸: ۳۰۸/۵)، در صورتی که اگر اشکال نداشت پرداخت فدیہ لازم نبود.

سیره اهل بیت (ع) درباره حرمت استظلال

گروه دیگری از روایات که فقهای امامیه در حرمت استظلال به آن استناد کرده‌اند حاکی از سیره امامان اهل بیت (ع) است. این دسته از روایات، گذشته از اینکه حرمت را می‌رساند، مصادیق جواز استظلال را نیز تبیین می‌کند:

واکاوی حرمت استغلال برای مردان مُحَرَّم از دیدگاه امامیه و حنابله / ۳۶۱

روایت اول: «قَالَ سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ (ع) عَنِ الْمُحَرَّمِ يَرْكَبُ فِي الْكَنِيسَةِ فَقَالَ لَا وَهُوَ لِلنِّسَاءِ جَائِزٌ» (طوسی، ۱۴۰۷: ۳۱۲/۵). هشام بن سالم گفت از امام صادق (ع) درباره محرمی که سوار بر کنیسه است پرسیدم. حضرت فرمودند: «نه. ولی برای زنان جایز است».

این روایت صحیح (حلی، ۱۴۱۲: ۸۶/۱۲) و موثق (مجلسی، ۱۴۰۴: ۳۰۴/۱۷) است.
تبیین استدلال: برخی از فقها این روایت را به عنوان دلیل حرمت تظلیل ذکر می‌کنند. بنابراین، به اعتبار نهی که در این روایت وجود دارد و جوازی که برای زنان اختصاص داده شده، تظلیل برای مردان در روز جایز نیست (حلی، ۱۴۱۲: ۸۶/۱۲؛ اردبیلی، ۱۴۰۳: ۳۲۴/۶؛ مجلسی، ۱۴۰۴: ۳۰۴/۱۷؛ حر عاملی، ۱۴۰۹: ۱۵/۱۲؛ بحرانی، ۱۴۰۵: ۴۷۰/۱۵-۴۷۳؛ نجفی، ۱۴۰۴: ۳۹۵/۱۸؛ طباطبایی قمی، بی‌تا: ۴۶۸/۲-۴۶۹؛ شاهرودی حسینی، ۱۴۰۲: ۲۴۲/۳؛ فاضل لنکرانی، ۱۴۱۸: ۲۸۲/۳).

روایت دوم: «قَالَ سَأَلْتُ أَبَا الْحَسَنِ (ع) عَنِ الظَّلَالِ لِلْمُحَرَّمِ قُلْتُ إِنِّي مَحْرُورٌ وَإِنَّ الْحَرَ يَشْتَدُّ عَلَى فَقَالَ- أَمَا عَلِمْتَ أَنَّ الشَّمْسَ تَغْرُبُ بِذُنُوبِ الْمُحَرَّمِينَ» (کلینی، ۱۴۰۷: ۳۵۰/۴)؛ عبدالله بن المغیره از ابوالحسن امام کاظم (ع) پرسید: «کسی که در حال احرام است می‌تواند بر سرش سایه‌بان قرار دهد؟». ابوالحسن گفت: «در مقابل خدایی که برایش احرام بسته‌ای، سر و بدن خود را آفتابی کن». گفتم: «مزاجم گرم است و تحمل سوز آفتاب مشکل است». ابوالحسن گفت: «مگر تو نمی‌دانی موقعی که خورشید غروب می‌کند گناهان حاجیان آفتاب‌زده را با خود می‌برد؟».

این روایت احسن (اردبیلی، ۱۴۰۳: ۳۲۲/۶-۳۲۳؛ مجلسی، ۱۴۰۴: ۳۰۲/۱۷؛ فاضل هندی، ۱۴۱۶: ۳۹۸/۵) است و برخی دیگر از آن به «صحیح‌ه او حسنه» تعبیر می‌کنند (بحرانی، ۱۴۰۵: ۴۷۲/۱۵).

تبیین استدلال: این روایت شامل روایاتی است که در آن از تظلیل نهی شده است (فاضل هندی، ۱۴۱۶: ۳۹۸/۵؛ شاهرودی حسینی، ۱۴۰۲: ۲۴۵/۳-۲۴۶؛ سبحانی، ۱۴۲۴: ۴۹۹/۳).

برخی از روایات دیگر بر این مطلب تأکید دارد که محرم، خود را در معرض خورشید و زیر تیغ آفتاب قرار دهد و از رفتن زیر سایه بپرهیزد:

قَالَ سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ (ع) هَلْ يَسْتَتِرُ الْمُحْرِمُ مِنَ الشَّمْسِ - فَقَالَ لَا إِلَّا أَنْ يَكُونَ شَيْخًا كَبِيرًا أَوْ قَالَ ذَا عِلَّةٍ (کلینی، ۱۴۰۷: ۳۵۱/۴)؛ به ابو عبدالله صادق (ع) گفتم: «اگر کسی در حال احرام باشد می‌تواند برای دورماندن از خورشید پرده بگیرد؟». ابو عبدالله گفت: «نه، لکن در صورتی که پیر و سالمند باشد». و شاید گفت: «مگر اینکه آن شخص دردمند باشد».

تبیین استدلال: گروهی از فقهای امامیه این روایت را دلیل بر حرمت استظلال می‌دانند (حب‌الله، ۱۳۸۲: ۷۸؛ حلی، ۱۴۱۲: ۸۱/۱۲؛ سبزواری، ۱۲۴۷: ۵۹۷/۲؛ مجلسی، ۱۴۰۴: ۳۰۴/۱۷؛ نجفی، ۱۴۰۴: ۳۹۶/۱۸؛ محقق داماد، ۱۴۰۹: ۵۱۸/۲؛ شاهرودی حسینی، ۱۴۰۲: ۲۴۴/۳).

در منابع روایی امامیه «نهی از تظلیل»، به معنای نهی از ایجاد سایه، نیز به چشم می‌خورد و در صورت ضرورت به تظلیل کفاره لازم می‌شود. وقتی از امام (ع) پرسیده می‌شود: «أُظِلُّ وَأَنَا مُحْرِمٌ؟»، جواب نهی از تظلیل داده می‌شود که صریح در حرمت است. روایاتی که با واژه «تظلیل» آمده چند روایت است. «تظلیل» به معنای ایجاد سایه و سایه‌انداختن است.

أُظِلُّ وَأَنَا مُحْرِمٌ قَالَ لَا - قُلْتُ أَفَأُظِلُّ وَأُكْفَرُ قَالَ لَا - قُلْتُ فَإِنْ مَرَضْتُ قَالَ ظِلُّ وَكُفْرٌ - ثُمَّ قَالَ أَمَا عَلِمْتَ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ (ص) قَالَ - مَا مِنْ حَاجٍّ يَضْحَى مُلَبِّيًا حَتَّى تَغِيبَ الشَّمْسُ - إِلَّا غَابَتْ ذُنُوبُهُ مَعَهَا (طوسی، ۱۴۰۷: ۳۱۳/۵)؛ از امام (ع) پرسیدند که: «آیا در حالت احرام، از سایبان استفاده کنم؟». فرمودند: «نه». دوباره پرسیدند: «در صورت بیماری چه؟». فرمودند: «از سایبان استفاده کن و کفاره نیز بده».

تبیین استدلال: این روایت دارای چهار قسم سایه‌گرفتن در حال مختاربودن، پرداخت کردن کفاره، در سایه بودن هنگام بیماری و بخشوده‌شدن گناهان حاجی است.

از متن روایت فهمیده می‌شود که تظلیل در حال اختیار جایز نیست، هرچند فرد قصد پرداخت کفاره را داشته باشد. واژه‌های «ضحی» و «شمس» که به ملاک تظلیل اشاره می‌کند، به معنای سایه گرفتن از خورشید است. صدر روایت دلالت می‌کند بر منع استفاده از سایبان، اما با توجه به ذیل روایت که «تلبیه» را به «تظلیل» اضافه کرده، و چون تلبیه مستحب است، لذا این روایت قاصر از افاده حکم الزامی است (محقق داماد، ۱۴۰۹: ۵۱۷/۲). برخی به این اشکال چنین پاسخ داده‌اند که: «آنچه ما به آن استدلال کرده‌ایم صدر روایت است نه ذیل آن. بلکه اگر ما بودیم و ذیل روایت که از پیامبر (ص) نقل شده است، چه بسا اشکال وارد بود، ولی ما قبلاً به این نکته اشاره کردیم که مانعی ندارد که ذیل، در سیاق تشویق و ترغیب و تشویق است که منوط به انضمام تلبیه است نه اصل حکم و در چنین تعبیری چه محذوری وجود دارد» (حب‌الله، ۱۳۸۲: ۷۰).

صرف اینکه امام (ع) مطلبی را به کار گرفته که به نظر می‌رسد باعث ترغیب و تشویق به چیزی شده، موجب سقوط دلالت نهی از حرمت نمی‌شود. پس بسیاری از نصوص تشریعی‌اند؛ از آن جمله برخی از نصوص قرآنی که در آنها نص فقهی قانونی با نص اخلاقی و روحی ترکیب شده و جدایی و فاصله میان این دو زبان (فقهی قانونی، اخلاقی و روحی) در زمان‌های بعد، در اثر پیشرفت و تغییراتی که در فقه راه یافته، پیدا شده و اصطلاحات خشک فقهی جایگزین اصطلاحات نرم اخلاقی شده است؛ و الا ایرادی ندارد که امام (ع) در تشویق و ترغیب به ترک حرام، خطاب به مرتکب گناه، به وعده خداوند متعال در آمرزش گناهان اشاره کند. آیا شبیه چنین مطلبی در خود حج، که یکی از واجبات قطعی نزد تمام مسلمانان است، وارد نشده است؟ به‌خصوص که راوی، این ذیل را بعد از «ثم قال» نقل می‌کند که گویا امام (ع) بعد از آنکه جواب خود را ابلاغ کردند، حدیث را بیان کردند و این حدیث جزء جواب نبوده است. پس مانعی ندارد که امام (ع) در صدد باشد افراد را بر اجتناب و دوری از آنچه حرام شمرده شده است تشویق و ترغیب کند (همان). بنابراین، یکی از محرمات احرام تظلیل است که شخص، در حال اختیار، به سبب روایت صحیح عبدالله بن مغیره،

نمی‌تواند استتلال کند هرچند کفاره هم بپردازد (حلی، ۱۴۱۲: ۸۴/۱۲؛ مجلسی، محمدتقی، ۱۴۰۶: ۴۳۰/۴؛ خوانساری، ۱۴۰۵: ۴۱۱/۲؛ فاضل لنکرانی، ۱۴۱۸: ۲۷۷/۳).

تبیین روایات نهی از رکوب در قبه و کنیسه

بخش دیگری از روایات امامیه به نحوه‌ای پشت سر گذاشتن مسیر اشاره می‌کند که به نوعی منتهی به تظلیل می‌شود؛ یکی از آن روایات، حدیث معتبر (منبع) محمد بن مسلم است: «قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنِ الْمُحْرِمِ يَرْكَبُ الْقُبَّةَ فَقَالَ لَّا - قُلْتُ فَالْمَرْأَةُ الْمُحْرِمَةُ قَالَتْ نَعَمْ» (طوسی، ۱۴۰۷: ۳۱۲/۵). محمد بن مسلم از امام درباره محرمی می‌پرسد که سوار در زیر قبه می‌شود. حضرت فرمودند: «نه». سپس راجع به زن محرم می‌پرسد. حضرت می‌فرمایند: «بله».

این روایت صحیح (مجلسی، محمدباقر، ۱۴۰۶: ۲۱۴/۸؛ بحرانی، ۱۴۰۵: ۱۲۸/۱۵) و معتبر است.

تبیین استدلال: ظاهر روایت، دلالت می‌کند بر نهی مردان از سوارشدن در زیر قبه، ولی راجع به زنان، چنین نهی نیست. شاید این روایت به تنهایی صراحت در حرمت تظلیل ندارد. زیرا آنچه می‌رساند این است که سوارشدن در زیر قبه برای مردان جایز نیست، اما دلیل جایز نبودن معلوم نیست. لذا به نصوص دیگری نیاز است که ثابت کند جایز نبودن به سبب تظلیل است. به همین دلیل گروهی از فقیهان امامیه با استناد به همین حدیث تظلیل مردان را، برخلاف زنان، حرام دانسته‌اند.

برخی از فقها (حر عاملی، ۱۴۰۹: ۵۱۵-۵۱۶؛ بحرانی، ۱۴۰۵: ۱۲۸/۱۵؛ فاضل لنکرانی، ۱۴۱۸: ۲۸۲/۳) با توجه به روایت فوق، تظلیل در حال سیر، برای مردان را حرام می‌دانند اما برای زنان حرام نمی‌دانند. بنابراین، با توجه به لای نهی در این روایت، نشستن در قبه یا کنیسه و به تبع آن نشستن در ماشین سقف‌دار برای مردان حرام است.

بررسی دلیل اجماع

علمای شیعه بر استظلال در روز اتفاق نظر دارند و کسی به جز ابن جنید فتوایی خلاف آن نداده است. شیخ طوسی و محمدحسن نجفی (صاحب جواهر) مدعی اجماع‌اند و این اجماع منقول است و در حد خبر می‌توان ارزیابی کرد. اجماع بیان‌شده ممکن است اجماع از نوع مدرکی باشد و مدرکش همان روایات باشد. لذا دلیل اجماع، مستحکم نخواهد بود (آخوندی، ۱۳۹۱). از باب اشکال بر دلیل اجماع گفته‌اند این اجماع محتمل‌المدرکیه است و نمی‌توان به آن استدلال کرد و محمدحسن نجفی اگرچه بر حرمت تظلیل ادعای اجماع کرده لکن این اجماع مدرکی است. وی می‌گوید اصل ادعای اجماع خالی از اشکال نیست. چون دسترسی به تمامی فتاوی صادره از همه علمای سابق و لاحق امکان‌پذیر نیست، خصوصاً که عده بسیاری از آنها کتاب مستقلی نداشتند که فتوایشان در آن ذکر شده باشد. بنابراین، اجماع محصل غیرممکن است (شاهرودی حسینی، ۱۴۰۲: ۲۴۹/۳).

در این زمینه دیدگاهی از منظر فقهای حنبلی دیده نشده است.

بررسی دلیل احتیاط

گروهی از فقهای امامیه «قاعده احتیاط» را یکی از دلایل حرمت استظلال گفته‌اند. در توضیح احتیاط می‌گویند اگر حج‌گزار، خود را از تابش نور خورشید نپوشاند، احرامش کاملاً صحیح است و اختلافی در آن نیست؛ اما اگر پوششی برای خود قرار دهد، در آن اختلاف خواهد بود (شریف مرتضی، ۱۴۱۵: ۲۴۵؛ طوسی، ۱۴۰۷: ۳۱۸/۲-۳۱۹).

برای آنکه شخص محرم یقین کند که احرامش صحیح است و بری‌الذمة شده، احتیاط در این است که خود را از تابش خورشید نپوشاند (شریف مرتضی، ۱۴۱۵: ۲۴۵). اگر حج‌گزار احتیاط کند و خود را از تابش خورشید نپوشاند، احرام وی کاملاً درست است و هیچ اختلافی در آن نیست، ولی اگر خود را بپوشاند، در آن اختلاف است (طوسی، ۱۴۰۷: ۳۱۸/۲-۳۱۹).

نتیجه

«استظلال» به معنای سایه افکندن بر خود هنگام مراسم حج در میان مذاهب محل اختلاف است. فقهای امامیه، به جز ابن‌جنید اسکافی که قائل به قول استحباب ترک تظلیل است، همگی استظلال در روز را جایز نمی‌دانند.

مطابق دیدگاه فقهای حنابله استظلال در روز جایز نیست. مشهور بین فقهای امامیه و حنابله حرمت تظلیل در حالت حرکت برای شخص محرم است. از دیدگاه فقهای امامیه و حنابله، ادله حرمت استظلال نیز شامل روایات و سیره پیامبر (ص)، سیره صحابه است. روایات و سیره امامان معصوم (ع) نیز دلیل فقهای امامیه است. در فقه امامیه بیشترین ادله حرمت استظلال در روز روایات اهل بیت (ع) است که در حد تواتر است. روایات اهل بیت (ع) را می‌توان در چند گروه نهی از استظلال، حکم استظلال و نهی از تظلیل، نهی از استتار از آفتاب و نهی از رکوب در قبه و کنیسه دسته‌بندی کرد. در بررسی این روایات مشخص شد که تعدادی از روایات، صحیح‌السند و موثق است و برخی دیگر ضعیف تلقی شده که این نوع روایات با توجه به عمل صحابه و بزرگان جبران‌پذیر است. همه این روایات منطوقاً و مفهوماً بر حرمت استظلال مرد محرم در روز دلالت دارد. سیره عملی مسلمانان نیز دلیل دیگری است که قبل از خروج از احرام، در چادرهای مستقر در عرفات و منا استظلال می‌کردند و کسی حکم به جایز نبودن نداده است. بررسی سیره و روایات نیز مبین آن است که در عصر رسول خدا (ص) هم خیمه وجود داشته است. ترک استظلال در فقه امامیه و حنابله مطابق احتیاط است و این باید قاعده‌ای کلی در احکام حج شود. تولیت مسجدالحرام باید برای رعایت جانب احتیاط به این قاعده عمل، و زمینه را برای حجاج فراهم کند.

منابع

- آخوندی، مصطفی (۱۳۹۱). «استغلال ۲»، در: *مقیّات حج*، ش ۷۹، ص ۱۷-۳۳.
- ابن تیمیة الحرانی، تقی الدین احمد ابن عبد الحلیم (۱۴۲۶). *المجموع فتاوی شیخ الاسلام*، بیروت: مکتبة الرشد.
- ابن تیمیة الحرانی، تقی الدین احمد ابن عبد الحلیم (بی تا). *کتب و رسائل و فتاوی شیخ الاسلام ابن تیمیة*، تحقیق: عبد الرحمن بن محمد بن قاسم العاصمی النجدی، بی جا: مکتبة ابن تیمیة.
- ابن قدامة، عبد الرحمن (بی تا). *الشرح الكبير على متن المقنع أشرف على طباعته: محمد رشيد رضا صاحب المنار*، بی جا: دار الكتاب العربی للنشر والتوزيع.
- ابن قدامة، عبدالله (۱۴۰۵). *المغنی فی فقه الإمام أحمد بن حنبل الشیبانی*، بیروت: دار الفكر، الطبعة الأولى.
- ابن مفلح (بی تا). *الفروع*، در: *نرم افزار مکتبة الشاملة*.
- ابن مفلح، أبو إسحاق برهان الدین (۱۴۲۳). *المبدع شرح المقنع*، الرياض: دار عالم الكتب.
- أبی شیبة العبسی الکوفی، أبو بکر عبد الله بن محمد (بی تا). *المُصَنَّف*، المحقق: محمد عوامة، بی جا: دار القبلة.
- اردبیلی، احمد بن محمد (۱۴۰۳). *مجمع الفائدة والبرهان فی شرح إرشاد الأذهان*، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسين حوزه علمیه قم.
- الألبانی، محمد ناصر الدین (۱۴۰۵). *إرواء الغلیل فی تخريج أحاديث منار السبیل*، بیروت: المكتب الإسلامي، الطبعة الثانية.
- بحرانی آل عصفور، یوسف بن احمد بن ابراهیم (۱۴۰۵). *الحقائق الناضرة فی أحكام العترة الطاهرة*، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسين حوزه علمیه قم.
- بهوتی، منصور بن یونس بن إدريس (۱۴۱۸). *کشاف القناع*، تحقیق: أبو عبد الله محمد حسن محمد حسن إسماعیل الشافعی، بیروت: منشورات محمد علی بیضون، دار الكتب العلمية.
- بيهقي، أبو بکر أحمد بن الحسين (۱۴۳۴). *السنن الكبرى و فی ذیلہ الجوهر النقی*، حیدر آباد: مجلس دائرة المعارف النظامية الکائنة.
- جعفر بن عبد الله، أبو القاسم تمام بن محمد (۱۴۱۲). *الفوائد*، المحقق: حمدي عبد المجيد السلفی، الرياض: مکتبة الرشد.
- حب الله، حیدر (۱۳۸۲). «فقه التظليل فی الحج (۱)»، در: *مقیّات حج*، ش ۲۰، ص ۷۰-۹۷.

حجاوی، موسی بن أحمد (بی تا). *الإقناع فی فقه الإمام أحمد بن حنبل*، المحقق: عبد اللطیف محمد موسی السبکی، بیروت: دار المعرفة.

حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹). *وسائل الشیعة*، قم: مؤسسة آل البيت (ع).

حلی، أبو منصور الحسن بن یوسف بن مطهر (۱۴۱۲). *منتهی المطلب فی تحقیق المذهب*، مشهد: مجمع البحوث الإسلامية.

حلی، أبو منصور الحسن بن یوسف بن مطهر (۱۴۱۴). *تذکرة الفقهاء*، تحقیق: مؤسسة آل البيت (ع)، قم: مؤسسة آل البيت (ع).

خوانساری، سید احمد بن یوسف (۱۴۰۵). *جامع المدارک فی شرح مختصر النافع*، قم: مؤسسه اسماعیلیان، چاپ دوم.

دمیاطی، أبو بکر (المشهور بالبکری) بن محمد شطا (بی تا). *حاشیة إعانة الطالبین*، بی جا: بی نا.

سبحانی، جعفر (۱۴۲۴). *الحج فی الشریعة الإسلامية الغراء*، قم: مؤسسه امام صادق (ع).

سبزوارى، محمد باقر بن محمد مؤمن (۱۲۴۷). *ذخيرة المعاد فی شرح الإرشاد*، قم: مؤسسة آل البيت (ع).

شاهرودی حسینی، سید محمود (۱۴۰۲). *كتاب الحج (للشاهرودی)*، قم: مؤسسه انصاریان.

شهید ثانی، زین الدین بن علی (۱۴۱۰). *الروضة البهیة فی شرح اللمعة الدمشقیة (المحشی - کلاتر)*، قم: کتاب فروشی داوری.

شهید ثانی، زین الدین بن علی (۱۴۱۳). *مسالك الأفهام إلى تنقیح شرائع الإسلام*، قم: مؤسسة المعارف الإسلامية.

صدیقی العظیم آبادی، محمد اشرف (۱۴۱۵). *عون المعبود شرح سنن أبی داود*، و معه حاشیة ابن القيم: تهذیب سنن أبی داود و إیضاح علله و مشکلاته، أبو عبد الرحمن، بیروت: دار الکتب العلمیة، الطبعة الثانية.

طباطبایی قمی، حسن (بی تا). *كتاب الحج (للقمی)*، قم: مطبعة باقری.

طوسی، ابو جعفر محمد بن الحسن (۱۴۰۷). *تهذیب الأحکام*، تهران: دار الکتب الإسلامية، الطبعة الرابعة.

فاضل لنکرانی موحدی، محمد (۱۴۱۸). *كتاب الحج (للفاضل)*، بیروت: دار التعارف للمطبوعات، الطبعة الثانية.

فاضل هندی، محمد بن حسن (۱۴۱۶). *كشف اللثام والإبهام عن قواعد الأحکام*، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسين حوزه علمیه قم.

- کاشانی، ابی بکر (۱۴۰۹). *بدائع الصنائع*، بی‌جا: بی‌نا.
- کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب (۱۴۰۷). *الکافی (ط - الإسلامية)*، تهران: دار الکتب الإسلامية، الطبعة الرابعة.
- مبارکفوری، أبو الحسن عبید الله (۱۴۰۴). *رعاة المفاتيح شرح مشكاة المصابيح*، بنارس: إدارة البحوث العلمية والدعوة والإفتاء، الجامعة السلفية، الطبعة الثالثة.
- متقی الهندی، علاء الدین علی بن حسام الدین (۱۴۰۱). *کنز العمال فی سنن الأقوال والأفعال*، المحقق: بکری حیانی، صفوة السقا، بی‌جا: مؤسسة الرسالة، الطبعة الخامسة.
- مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی (۱۴۰۴). *مرآة العقول فی شرح أخبار آل الرسول (ص)*، تهران: دار الکتب الإسلامية، چاپ دوم.
- مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی (۱۴۰۶). *ملاذ الأخبار فی فهم تهذیب الأخبار*، قم: کتابخانه آیت‌الله مرعشی نجفی.
- مجلسی، محمد تقی (۱۴۰۶). *روضة المتقين فی شرح من لا یحضره الفقیه*، مصحح: سید حسین موسوی کرمانی، علی پناه اشتیاردی، سید فضل الله طباطبایی، قم: مؤسسه فرهنگی اسلامی کوشان‌پور.
- محقق داماد یزدی، سید محمد (۱۴۰۹). *کتاب الحج*، مقرر: عبدالله جوادی آملی، قم: چاپخانه مهر.
- موسوی (شریف مرتضی)، علی بن حسین (۱۴۱۵). *الانتصار فی انفرادات الإمامیه*، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- موسوی گلپایگانی، سید محمدرضا (۱۴۰۳). *کتاب الحج (للگلپایگانی)*، قم: دار القرآن الکریم.
- نجفی، محمد حسن (۱۴۰۴). *جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام*، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- نراقی، مولی احمد بن محمد مهدی (۱۴۱۵). *مستند الشیعة فی أحکام الشریعة*، قم: مؤسسة آل البيت (ع).
- نووی، أبو زکریا محیی الدین (۱۳۹۲). *المنهاج: شرح صحیح مسلم بن الحجاج*، بیروت: دار إحياء التراث العربی، الطبعة الثانية.

References

- Akhundi, Mustasfa (2012) *Istizlal* 2 [in Arabic], in: Miqat Haj, Issue 79, pp 17 – 33.
- Ibn Taymiyya Al-Harrani, Taqi Al-Din Ahmad ibn 'Abd al-Halim. (2005). *Majmu'at Fatawa Shaykh al-Islam* (Shaykh al-Islam collection of Fatwas). Beirut: Maktabat Al-Rushd.
- Ibn Taymiyya Al-Harrani, Taqi Al-Din Ahmad ibn 'Abd al-Halim. *Kutub wa Rasa'il wa Fatawa Shaykh al-Islam Ibn Taymiyya* (Ibn Taymiyya's books, treatises and Fatwas), Research: 'Abdul Rahman ibn Mohammad ibn Qasim Al-'Asimi Al-Najdi. Maktabat Ibn Taymiyya.
- Ibn Qudame, 'Abdul Rahman. *Al-Sharh Al-Kabir 'Ala Matn Al-Muqana' Ashraf 'Ala Tiba'at: Mohammad Rashid Rida Sahib al-Minar*, Dar Al-Kitab Lil-Nasher wa Al-Tawzi'.
- Ibn Qudame (1984). *Al-Mughni fi Fiqh Al-Imam Ahmad Hanbad Al-Sheibani* [in Arabic]. Beirut: Dar Al-Fikr, First Edition.
- Ibn Mufleh, Abu Ishaq burhan Al-din (2002). *Al-Mubdi' Sharh Al-Muqni'* [in Arabic], Riyadh: Dar 'Alim Al-Kutub.
- Abi Sheibe Al-'Abasi Al-Kufi, Abu Bakr 'Abdullah ibn Mohammad.
- Al-Musannaf* [in Arabic], Research: Mohammad 'awamah. Dar Al-Qibla.
- Ardebili, Ahmad ibn Mohammad (1982). *Majma' Al-Fa'ida wa Al-Burhan fi SHarh Irshad Al-Azhan* [in Arabic], Qom: Office of Islamic Publications affiliated with Jami'at al-Mudarrisin, Semianry of Qom.
- Al-Abani, Mohammad Nasir Al-Din (1984). *Erwa' Al-Ghalilfi Takhrij Ahadith Minar Al-Sabil* [in Arabic], Beirut: Al-Maktabat Al-Islami, Second Edition.
- Bahrani Al 'Osfur, Yusuf ibn Ahmad ibn Ibrahim (1984). *Al-Hadaïq al-Nazira fi Ahkam Al-'Itrat Al-Tahira* [in Arabic], Qom: Office of Islamic Publications affiliated with Jami'at al-Mudarrisin, Semianry of Qom.
- Buhuti, Mansur ibn Yunus ibn Edris (1997). *Kashaf Al-Qina'* [in Arabic]. Research: Abu 'Abdullah Mohammad Hassan Mohammad Hassan Isma'il Al-Shafi'I, Beirut: Manshurat Mohammad 'Ali Beidun, Dar Al-Kutub Al-'ilmiyya [in Arabic].
- Beihaqi, Abu Bakr Ahmad ibn Al-Hussain (2012). *Al-Sunan Al-Kubra wa fi Zila Al-Jawhar Al-Naqi* [in Arabic]. Heidar Abad: Majlis Da'irat Al-Ma'arif Al-Nizamiyya Al-Ka'inah [in Arabic].
- Ja'far ibn 'Abdullah, Abulqasim Tamam ibn Mohammad (1991). *Al-Fawa'id* (the Benefits), Research: Hamadi 'Abd Al-Majid Al-Slafi, Riyadh: Maktabat Al-Rushd.

- Hubb Alluh, Heidar (2003). *Fiqh Al-Tazlil fi al-Haj* (Jurisprudential rules of residing in shadow during Haj). In: *Miqat Haj*, Issue 20, pp 70 – 97.
- Hajawi, Musa ibn Ahmad. *Al-Iqna' fi Fiqh Al-Imam Ahmad ibn Hanbal* [in Arabic]. Research: 'Abdul Latif ohammad Musa Al-Sabki, Beirut: Dar Al-Ma'rifat.
- Al-Hurr al-‘Amili, Muhammad ibn al-Hasan. (1988). *Wasa'il al-Shi'a* (the Means of the Shi'a). Qom: Mu'assissat Al Al-Beit (peace be upon them).
- Hilli, Abu Mansur Al-Hassan ibn Yusuf ibn Mutahhar (1991). *Muntaha Al-Matlab fi Tahqiq Al-Mazhab* [in Arabic], Mashhad: Majma' Al-Buhuth Al-Islamiyya [in Arabic].
- Hilli, Abu Mansur Al-Hassan ibn Yusuf ibn Mutahhar (1993). *Tazkirat Al-Fuqaha'* (Reminder of jurists), Research: Mu'assissat Al Al-Beit (peace be upon them), Qom: Mu'assissat Al Al-Beit (peace be upon them).
- Khansari, Seyyed Ahmad ibn Yusuf (1984). *Jami' Al-Madarik fi Sharh Mukhtasar Al-Nafi'* [in Arabic]. Qom: Mu'assissat Isma'iliyan, Second Edition.
- Demiyati, Abu Bakr (Known as Bil –Bakri) ibn Mohammad Shatta. Hashiyat l'anat Al-Talibin. [in Arabic].
- Subhani, Ja'far (2003). *Al-Haj fi Al-Shari'at Al-Ilamiyya Al-Ghara'* (Haj in Islamic Shari'a), Qom: Imam Sadiq Institute.
- Sabzewari, Mohammad Baqir ibn Mohammad Mu'min (1868), *Zakhirat Al-Ma'ad fi Sharh Al-Irshad* (Provision of resurrection in interpreting Al-Irshad), Qom: Mu'assissat Al Al-Beit (peace be upon them).
- Sharhroudi Hussaini, Seyyed Mahmoud (1981). *Kitab Al-Haj Lil Shahroudi* (Shahroudi's book of Haj), Qom: Ansariyan Publications.
- Shahid Thani, Zain Al-Din ibn 'Ali (1989). *Al-Rawdat Al-Bahi'a fi Sharh Al-Lum'a Al-Damishqiyya* [in Arabic]. Qom: dawari book Store.
- Shahid Thani, Zain Al-Din ibn 'Ali (1992). *Masalik Al-Afham ila Tanqih Shara'i' Al-Islam* (Mehtods of Understanding in purifying rules of Shari'a in Islam), Qom: Mu'assissat Al-Ma'arif Al-Islamiyya.
- Sedighi Al-'Azim Abadi, Mohammad Ashraf (1994). *'Awn Al-Ma'bud Sharh Sunsn Abi Dawud wa Ma'ahu Hashiya ibn Al-Qayyim: Tahzib Sunan Abi Dawud wa Izah 'Ilaluhu wa Mushkilata* [in Arabic], Abu 'Bad Al-Rahman: Dar Al-Kutub Al-'Ilmiyya, Second Edition.
- Tabtabaie Qomi, Hassan. *Kitab Al-Haj lil Qomi* (Qomi's Book of Haj), Qom: Bagheri Publications.

- Tusi, Abu Ja'far Mohammad ibn Al-Hassan (1986), *Tahzib Al-Ahkam* (Purifying the Religious Rules), Tehran: Dar Al-Kutub Al-Islamiyya. Fourth Edition.
- Fadil Lankarani Mowahidi, Mohammad (1997), *Kitab Al-Haj lil Fadil* (Fadil's Book of Haj), Beirut: Dar Al-Ta'aruf Lil- Matbu'at, Second edition.
- Fadil Hindi, Mohammad ibn Hassan (1995). *Kashf Al-Litham wa Al-Ibham 'an Qawa'id Al-Ahkam*. (Uncovering the rules of religion), Qom: Office of Islamic Publications affiliated with Jami'at al-Mudarrisin, Semianry of Qom.
- Kashani, Abi Bakr (1988). Badayi' Al-Sanayi' [in Arabic].
- Kulayni, Muhammad ibn Ya'qub. (1986). *Al-Kafi* (The Sufficient). Tehran: Dar al-Kutub al-Islamiyya. Fourth edition.
- Mubarakfuri, Abul Hassan 'Ubeidullah (1983). *Ri'at al-Miftah Sharh Mishkat Al-Masabih*, [in Arabic]. Banaras: Idarat Al-Buhuth Al-'Ilmiyyawa Al-Da'wat wa Al-Ifta' Al-Jami'a Al-Salafiyya, [in Arabic], Third Edition.
- Muttaqi Al-Hindi, 'AlaAl-Din 'Ali ibn Hism Al-Din (1980). *Kanz al-'Ummalfi Sunan Al-Aqwal wa Al-Afal* [in Arabic], Research: Bakri Hayyani, Safwat Al-Saqa, Mu'assisat Al-Risalat. Fifth Edition.
- Majlisi, Mohammad Baqir ibn Mohammad Taqi (1983). *Mir'at Al-'Uqul fi Sharh Akhbar Ale Rasul* (Mirror of minds in interpreting the reports of household of Holy Prophet), Tehran: Dar Al-Kitab A-Islamiyya.
- Majlisi, Mohammad Baqir ibn Mohammad Taqi (1985).
- Majlisi, Mohammad Taqi (1985). *Rawdat Al-Muttaqin fi Sharh Man Layahduruhi Al-Faqih* [in Arabic], Edited by: Seyyed Hussain Musawi Kermani, 'Ali Panah Ishtihardi, Seyyed Fadl Allah Tabatabaie, Qom:Kushan Pur Cultural Islamic Institute.
- Muhaqiq Damad Yazdi, Seyyed Mohammad (1988). *Kitab Al-Haj* (Book Of Haj), Wirter: 'Abdullah Jawadi Amuli, Qom: Mehr Printing House.
- Musawi (Sharif Murtada), 'Ali Ibn Hussain (1994). *Al-Intisar fi Infiradat Al-Imamiyya* [in Arabic], Qom: Office of Islamic Publications affiliated with Jami'at al-Mudarrisin, Semianry of Qom.
- Musawi Gulpayegani, Seyyed Mohammad Rida (1982). *Kitab Al-Haj Lil Gulpayegani* (Gulpayegani's Book Of Haj)
- Najafi, Mohammad Hassan (1983). *Jawahir al-Kalam fi Sharh Sharai' Al-Islam* (Jewelry of the Word in Elaborating the Islam Shari'a). Beirut: Dar Ihya Al-Turath Al-'Arabi.

واکاوی حرمت استغلال برای مردانِ مُحَرَّم از دیدگاه امامیه و حنابله / ۳۷۳

Naraqi, Mawla Ahmad ibn Mohammad Mahdi (1994). *Mustanad Al-Shi'a fi Ahkam Al-Shari'a* [in Arabic], Qom: Mu'assissat Al Al-Beit (peace be upon them).

Nawawi, Abu Zakarya Muhya Al-Din (1972). *Al-Minhaj: Sharh Sahih Muslim ibn Al-Hajjaj* (Ways to Elaborate Muslim ibn Al-Hajjaj's Accurate Hadith), Beirut: Dar Ihya Al-Turath Al-'Arabi.